

نقش بانوان در ترویج تفکر انقلاب اسلامی توسط شعر

سید شافی

دانشجوی دکتری، بخش زبان و ادبیات فارسی،

دانشگاه کشمیر (سرینگر)

mousvishafia@gmail.com

تقریباً همه افراد کم و بیش از انقلاب اسلامی ایران و وضعیت ایجاد شده توسط آن آگاه هستند. همه جنبه های جامعه ایران را تحت تاثیر قرار داد. افراد مرتبط با حوزه های مختلف زندگی در آن شرکت کردند و با موفقیت بزرگ آن تاریخ را رقم زدند. آنها یک امپراتوری سلطنتی طولانی مدت را سرنگون کردند و قانون اساسی اسلامی را جایگزین آن کردند. در تمام این رویداد و حتی پس از موفقیت آن هر یک از جنبه های جامعه از جمله های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره دستخوش تغییر دانی شدند. انقلاب به دلایل زیادی مورد نیاز بود. مردم به این جنبش پیوستند زیرا به طور مستقیم یا غیر مستقیم به نفع تک تک افراد عادی بود. گذشته، حال و آینده آنها را تحت تاثیر قرار داد. در مورد زنان نیز چنین بود. بانوان برای احقاق حقوق و جایگاه شائسته خود در جامعه و مهاربندی ها در انقلاب سهیم شدند. سهم آنها توسط همه شناسایی، قدردانی و تشویق شد. رهبران انقلاب اسلامی ایران امام خمینی در این خصوص فرمودند: "ما... دیدیم که زن ها بانوان محترمانه همدوش مردان بلکه جلو مردان در صف قتال ایستادند" (۱) نیز می فرمایند: "خواهرهای ما که در عصر نهضت شرکت داشتند، ارزش اعمال آنها بیشتر بود از ارزش اعمال مردها... زن ها پیشقدم بودند بلکه فعالیت زن ها در این باب ارزشش بیشتر از فعالیت مردها بود" (۲).

فعالیت زن در انقلاب اسلامی انواع مختلفی داشت. برخی از زنان در گروهبانهای کوچک به موعظ پرداختند، برخی داوطلبانه در میدان جنگ به عنوان پرستار، برخی در تأمین نیازمندان و برخی در عدم حضوری مردان خانه، خود پاسبان زندگی و پاسبان حریم شدند، برخی دیگر از طریق قلم خود کمک کردند. برخی از شاعران سهم هر جوری زنان در انقلاب فراموش نکرده از آنها قدردانی و تشویق کرده اند. داکانی می نویسد:

مادرم، این سوی جبهه های نبرد چشم در کار عشق می سوزد

بر لبانش دعای پیروزی است شال فردای فتح می دوزد (۳)

محمد علی محمدی چنین می گوید: ع

من از رسوم کهن می گویم

که گیسوان زنان را

به خون چهره ناخن کشیده می آغشت

و گیسوان به خون رنگین تر

نشان حرمت ایام پاکبازی بود

من از رسوم کهن می گویم

که پا به پای شما می آیند و مثل انسان پا بر غبار می ساینند

من از دوام رسالتها

و از اصالت انسانهای مرد می گویم (۴)

سهم زن در جنبه های مختلف نمایان بود و یکی از آنها جنبه ادبیات است. انقلاب اسلامی ایران، چهره ادبیات را به کلی تغییر داد. ادبیات هر ملتی تحت تاثیر شرایط سیاسی خود است و بالعکس. شاعران و نویسندگان پیشین مداحی می کردند و از تجملات صحبت می کردند. برخی خود را با موضوعات عرفانی و برخی با طبیعت همراه می کردند. اما اکنون طرز فکر کاملاً تغییر کرده بود. مردم از یک رویای طولانی شب بیدار شدند و به خود پی بردند. شاعران و نویسندگان شروع به درک نیاز مظلوم به داد رسی آنها کردند. آنها صدای قربانیان شدند و بسیاری از موضوعات از این دست در نوشته های آنها گنجانده شد. سهم آنها که قلم در دست داشتند در موفقیت این انقلاب با کسانی که اسلحه در دست داشتند و از حقوق خود دفاع می کردند مساوی بود. همانطور که همه افراد مرتبط با هر حوزه ای در موفقیت انقلاب سهیم بودند، سهم زن و مرد نیز چنین برابر بود. ادبیات انقلاب در قالب نثر و نظم تولید شد. اینجا به بررسی شعر انقلاب پردازیم. به گفته سید حسن حسینی " شعر انقلاب شعر مردمی به معنای واقعی آن است. شاعر این شعر همدوش همسنگر، همدلو همزمان مردم است. با درد مردم رنج می برد و با شادی آنان شاد می شود، با فتحشان سر بلند می کند و با خنجر خوردنشان درد می کشد و با خشمشان به خشم می آید. شاعر انقلاب اسلامی تاریخ منظوم انقلاب نیز هست؛ فراز و نشیبهای این شعر، فراز و نشیبهای است که مردم شاهدش بوده اند و در صحنه آن حضور فعال داشته اند." (۵). موضوعات تغییر کرد. شعرا بیرون از بزم، از رزم و مسائل

اجتماعی پیرامون آنها گفتند. تغییر در تصور زنان در شعر رخ داد. عموماً زن در ادبیات کهن به عنوان معشوق یا ساقی و خیانگر مطرح است و کمتر از جنبه های گوناگون وجود و نقش او در اجتماع سخن گفته شده است. اما زن عصر ما با حضور فعال خود در انقلاب و جنگ توانست هویت انسانی خود را به نمایش گذاشته و داد و سکوت و مظلومیت خود را از تاریخ بگیرد. زن در عصر انقلاب هم عاشق هست و هم معشوق، طوفان می زاید عشق می پرورد، حماسه می آفریند، رنج می کشد و صبوری می کند و علاوه بر آن بخش عمده ای از ادبیات انقلاب به واسطه حضور زن بزرگ انقلاب بوجود آمده است. بانوان شعراء موضوعاتی مانند حمایت از مبارزان انقلابی و ایجاد انگیزه در آنان، احیای حقوق و جایگاه زنان به شکلی که در شریعت و تاریخ اسلام ترسیم شده است، پند و نصایح را بر می گزینند و احساسات و افعی خود را برای ساختن جامعه برابری زن با مرد منتقل می کنند. سهم زنان در ادبیات فارسی با چنین موضوعات بیداری از شعر پروین اعتصامی آغاز شد و با گذشت زمان و به اقتضای زمان تکامل یافت. نامهای بسیاری از بانوان قابل ذکر است که در دوران انقلاب اسلامی ایران شعر سروده اند که از جمله می توان به خانم طاهره صفارزاده، سیمین دخت وحیدی، پروین غلامی، الهام، و غیره اشاره کرد. در اینجا به تحلیل آثار و سهم برخی از این بانوان می پردازیم.

یکی از نام های برجسته شاعره انقلاب سیمین دخت وحیدی است. سیمین دخت وحیدی فرزند عباسعلی به سال ۱۳۱۲ هـ.ش در جهرم فارس به دنیا آمد. شعر گفتن از سن هفده سالگی آغاز کرده است. قبل از انقلاب شعرهای سیاسی و پس از آن اشعارش در رابطه با انقلاب، حضرت امام، رزمندگان و... می باشد. اشعارش دارای اصالت اخلاقی و مایه های خاص عرفان اسلامی است، و از تمامی آنها بوی فارس و رایحه دل انگیز شعر حافظ و سعدی استنمام می شود. سخنش محکم و استوار و دقیق است. وی از شاعران غزل سرا است. سیمین همزمان با دفاع مقدس در فضای معطر شهرهای جنگ زده و خطوط مقدم جبهه به شعر خوانی و همگامی با رزمندگان می پرداخت. حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تجلیل از سیمین دخت وحیدی عنوان کرد: "بانوی شعر انقلاب را بدون ذره ای حاشیه، انحراف و مسئله، خالص و مخلص و بدون توقع، پا به پا، همراه و مدافع انقلاب دیدیم. این شاعر با خلق خوش و آن روحیه معنوی خانم های جوان شاعر را جذب کرده و استعدادهای شان را پرورش داده و در حق آنها بزرگواری، معلمی و مادری کرده اند" (۶). ناصر فیض در نشست "یک ماه، یک کتاب" که به آثار سیمین دخت وحیدی، شاعر پیشکسوت، اختصاص داشت؛ گفت: "خانم وحیدی در زمانه ای به سرودن از انقلاب پرداخت که بسیاری از نگاه ها در آن زمان ایشان را همراهی

نمی کرد؛ کارایشان یک جهاد ادبی بود. " (۷). مجموعه اشعاروی عبارتند از یک آسمان شقایق، هور، حس می کنم زندگی را، موج های بی قرار، و... تعدادی از آثار گردآوری شده توسط ایشان هم، در قاپ گها، کوثر، چشم بیمار، غم دلداره، شعر جوان، از نگاه آئینه ها و... نام دارند. لاله های داغدار، مجموعه داستانی است که از وی در ۲۵ سالگی منتشر شد. " هشت فصل سرخ و سبز" و "این قوم ناگهان" دو مجموعه از اشعار سیمین دخت وحیدی است که در حوزه ادبیات دفاع مقدس منتشر شده اند. به شعله ور کردن روحیه انقلابی و حماسی در بچه های ایرانی، سیمین شعری به نام، فریاد عاشورا، سروده است که به

زیر است:

از بلا پروا کجا دارد دل دریایی ات	راه بر طوفان ببند قامت سینایی ات
سینه ات جولانگه امواج توفان بلاست	شور اقیانوس دارد دیده ی دریایی ات
در نگارستان چشمت، نقش می بندد بهار	بهار می کند روشن جهان را چهره ی زمهرایی ات
حامل مژور خونین حسیتی، زینبا!	جاودان جوش است نور چشمه ی دانایی ات
تا ابد پرمی گشاید بر فراسوی زمان	چون عقابی خشمگین، فریاد عاشورایی ات
در زلال دیده ی آئینه ها تصویرتوست	مانده حیران چشم عالم از جهان آرای ات
در بیابان عطش گرپا گذاری هرنفس	صد گلستان گل شکوفد از دم عیسایی ات
دشمن از نطق علی وارث به خود لرزد چوبید	سامری رسوا شود با معجزه موسایی ات
ممچنان خورشید می تابد به عالم قرن هاست	هاست در میان تیرگی ها نور روشن رایی ات (۸)

چنان که امام خمینی حضور زنان و نقش سازنده شان در انقلاب و دفاع مقدس به مردان را مساوی و یا حتی در برخی موارد به نفع زنان دانسته اند، سیمین در مورد این موضوع شعرهایی نیز سروده است که بانوان را به ارزش خود آگاه می کند. ابیاتی از مثنوی "زن" سروده سیمین دخت نشان دهنده پیدایش

دیدگاهی تاریخی و اسوه ساز، در بانه زن است:

خون جوشان ز خاک هابیلی	اسوه در مصاف قایبیلی
تویی ای زن، زبان عاشورا	زینب کاروان عاشورا
رایت عشق روی شانه توست	سر عزت بر آستانه توست
جلوه سایه خدایی تو	پرتو بزم نینوایی تو
ای زن، ای زینب زمانه من	جاودان از رخت بهار وطن
دلی از درد ملتهب داری	مادری، مادر وهب آری
یاردرد آشنای فاطمه ای	توپیم رسای فاطمه ای (۹)

شعر سیمین دخت وحیدی اگر چه به لحاظ صوری و زبانی از سادگی و روانی برخوردار است، اما در پس پرده همین روانی و سادگی است که می کوشد اندیشه های والا، انقلابی

، مذهبی، آیینی، ملی و دغدغه های خاص خود را که گاهی یک شکل اعتراض و گاهی حالت نوستالژیک به خود می گیرد، برای مخاطب خود بازگو می کند.

یکی دیگر از شاعرانی که به خاطر سهمش در شعر انقلابی شهرت دارد، فاطمه راکعی است. فاطمه راکعی شاعر، محقق، مترجم و فعال سیاسی است. وی در سال ۱۳۳۳ ه.ش در زنجان متولد شد. وی سرودن از ۵ سالگی آغاز کرد. خودش دلیل آن همه زود سرودن را چنین می گوید: " در همان سنین که به دلیل فوت پدر بزرگ و بی تابی های مادرم، با مفهوم مرگ آشنا شدم تازه فهمیدم مرگ یعنی چه، که در خط نوشتن افتادم و عمیقاً درباره این که اگر روزی عزیزانم بمیرند چه می شود و چه حالی پیدا می کنم، فکرمی کردم. عواطف عمیقی که به والدینم داشتم و ترس از اینکه روزی آنها را از دست بدهم مرا به این سمت سوق داد" (۱۰). فاطمه نوشته های عاطفی را دوست داشت تا با مولانا آشنا شد و مسیر زندگی اش تغییر کرد. دوره دبستان را در تهران گذراند و همان زمان بود که شعر " از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود" مولانا تاثیر عمیقی روی او گذاشت. در روی آوری او به جهان شعر و ادب نخست باید از نقش پدرش عبدالله راکعی یاد کرد که از فرهنگیان اهل ذوق، فاضل و مدرس زبان و ادب فارسی و عربی بود و به همراه تنها دخترش با اهل ادب حشرو نشر داشت. راکعی تجربه های شعری پراکنده خود را تا سال ۱۳۶۹ که گذیده ای از اشعار سالهای ۶۰ تا ۶۸ بود، جدی نگرفت. این مجموعه نشان می داد که وی مانند برخی شعران جوان سالهای نخست پس انقلاب، شاعری را رسالتی دینی و ملی تلقی کرده است. برخی از شعرهای سال ۱۳۶۳ او متأثر از ذهن و زبان دیوان غزلیات شمس است؛ اما از سال ۱۳۶۵ به بعد بتدریج شاهد دستیابی شاعر و شخصیت ادبی هستیم که نشانه های آن در دفترش پدیدار شد. و در مجموعه شعرهای بعدی وی " آواز گل سنگ" و " ما درانه ها" رو به کمال نهاد. از آثارش نا خنکی به زندگی، دیروز با ما کسی بود، رویای رنگین، سنجاقک ها و جز آن قابل ذکر اند. فاطمه راکعی را بیشتر اهالی فرهنگ با شعرهایش می شناختند و در کنار شاعرانی چون قیصر امین پور، سید حسن حسینی و ساعد باقری از نسل شاعران انقلاب اسلامی بود؛ اما با پذیرش مدیریت و سر دبیری پگاه (فصلنامه فرهنگی ادبی خاوران) نشان داد که به موضوع زنان هم توجه دارد. فاطمه راکعی در مجموعه شعر " سفر سوختن" شعر " زینب مجسم" را به مادر خود تقدیم کرده است. در این شعر زمزمه های مادرانه را جوشش مهربان زمزم می داند و به گونه ای سیمای رنج کشیده هاجر مادر اسماعیل را در چهره مادر امروز می بینید. صبر و بزرگواری مادر داشتن دلی دریایی که مرکز ثقل رنجهای عالم است، تجسمی از حضرت زینب است. این شاعر نیز

مانند سپیده کاشمی مادر را از محدوده زمان و مکان خاص آزاد کرده و به او مفهومی جهانی و تاریخی بخشیده است.

داند گوهر شناسان	غواص دریای عشقم
هم سعی نستوه هاجر	آن پای پریان عشقم
دست کریم خدیجه	در کار احیای عشقم
منخشم زیبای زهرا	یعنی که غوغای عشقم
تفسیر آیات دردم	تفسیر معنای عشقم (۱۱).

فاطمه راکعی به موضوعات گوناگون در اشعارش پرداخت. یکی از موضوعات اشعار وی احادیث خونین در روزهای انقلاب بود. راکعی اگرچه به حوادث خونین آن روزها را به تصویر می کشد؛ اما در وصف مدرسه دخترانه بمباران شده، همچنان در جست و جوی عشق و زیبایی از مرگ سرخ و زیبا و

جوشش لاله ها سخن می گوید:

هنوز خنده نیفسرده روی لب هاشان
به مرگ طعنه زند مرگ سرخ زیباشان
به انعکاس شفق در سپیده می مانند
بهمیاس های به خون آرمیده می مانند
میان بستر خون نسل لاله جوشان باد

زمان به کام عطش ناک عشق نوشان باد (۱۲)

فاطمه راکعی جدا از فعالیت های شعر، در عرصه سیاست خود نیز مشارکت داشت و جوایز بسیاری در عرصه های مختلف کسب کرده است. حرفه او در سیاست و ادبیات انگیزه ای برای نسل های آینده است.

یکی از شخصیت های ارزشمند عرصه شعر و ادبیات که هم در زمان اختناق و حاکمیت طاغوت با سرودن اشعار بیدارگرانه، در حد و توان خویش به بیداری توده های مردم و افسشای جنایات طاغوت پرداخت و هم پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در کنار تبیین ارزش ها و اهداف انقلاب اسلامی، از شعر خود همانند اسلحه ای کارساز در دفاع از انقلاب و ارزش های آن استفاده کرد، شاعر ارجمند، خانم سپیده کاشانی است. خانم

سپیده کاشانی فرزند حسین در سال ۱۳۱۵ ش در شهر کاشان در کانون گرم خانواده ای که به مبانی اسلامی سخت پای بند بود، دیده به جهان گشود. وی درباره خانواده خود می گوید: " خانواده من یعنی پدر و مادرم به مطالعه کتاب و خواندن دیوان های شعر استادان متقدم و متأخر علاقه و عشقی وافر داشتند. طبیعی است که من نیز از همان کودکی، با شعر خصوصاً اشعار حافظ و سعدی و مولانا آشنا می شوم و اشعار حافظ بیش از همه مرا تحت تأثیر قرار می داد و هر بار که در بحر تفکر در آثار حافظ غرق می شوم، صدقی یا گوهری تازه به دست می آورم. باید بگویم که شعر و ادبیات، نیی از زندگی من شد که در تنهایی پناهگاه من است". (۱۳) با توجه به شرایطی که قبل از پیروزی انقلاب بود، فعالیت های شادروان سپیده کاشانی، تنها به سرودن برخی اشعار محدود می شد. که آرایه آنها، جز در برخی محافل خاص میسر نبود، ولی به موازات طلوع پیروزی انقلاب اسلامی که زمینه فعالیت در عرصه های مختلف به بانوان اندیشه مند و پایبند به ارزش های متعالی اسلامی فراهم شد، سپیده به فعالیت های ادبی خود وسعت بخشید. وی پس از انقلاب، با حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، شورای شعرو وزارت ارشاد اسلامی و مطبوعات همکاری نزدیک و زیادی داشت. سپیده سرودهای انقلابی زیادی دارد که به ویژه در سال های جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، فراوان از رادیو و تلوویزیون پخش شد. خانم کاشانی، هر جا که می دید نیاز به وجود او هست، بدون مضایقه حاضر می شد و به آنچه تکلیفش بود، عمل می کرد. پیش از انقلاب اولین مجموعه او با نام " پروانه های شب" منتشر شد. هزار دامن گل سرخ، سخن آشنا، حکایت آنان که بقا را در بلا دیده اند، بعضی از آثار دیگر سپیده کاشانی است. بعد از انقلاب در قوالب مختلف سنتی طبع آزمایی نمود، مثنوی، چهارپاره، رباعی و قطعه قالب های است که کاشانی در آن ها شعر سروده است. مفاهیم اخلاقی، تعلیم و تربیت، شعر مقاومت، شهادت و ایثار، انتظار موعود، آ موزه های دینی و مدح و منقبت پیامبر و ائمه، ستایش شخصیت های انقلابی و ادبی، نیز مضامین اشعار وی را شامل می شود. سپیده کاشانی را می توان از اولین بانوان شاعر دانست که نخستین آثار ادبیات مقاومت پایداری و جهاد و شهادت را در شعر انقلاب به بار نشانند. کاشانی در دوران همکاری خود با شورای شعرو سرود صدا و سیما حدوداً ۴۰ مطعه شعر با موضوع انقلاب و دفاع مقدس سرود که همه این ها به صورت سرود اجرا شده اند. یکی از معروفترین این سرودها " من ایرانی ام، آرمانم شهادت است" که با آهنگسازی استاد محمد علی کیانی نژاد و آواز محمد گلریز اجرا شده است. همچنین در آلبوم نینوا ۲ به خوانندگی و آهنگسازی حسام الدین سراج نیز سرود و شعر " باغ آشنایی" با شعر ایشان به آواز خوانده شده است. و شعر " نصر من

الله " و مثنوی بلند " بهار در خون" نیز در آلبوم نینوا توسط فرج الله سلحشور دکلمه شده است. خانم کاشانی بارها در جبهه های جنگ حاضر شده، به تشویق و ترغیب رزمندگان می پرداخت. سپیده کاشانی خسته از روزگار تاریک ستمشاهی ، آن گاه که سرود تنهایی انسان را می سرود، با خود و خدای خود پیمان بست تا به کمک این انسان تنها بر خیزد و صبح را از پس تاریکی سنگینی شب صلا بزند، و تا به این کار موفق نشده، از پای نشیند و بعد ها قسم نامه ای در این باره سرود:

قسم به شبم گلبرگ گونه های یتیم	به آن صفا که به دل های مومن است مقیم
قسم به سوز دعای کمیل در سنگر	قسم به شور و مناجات با صفای سحر
به سرنور، به ابهام پر شکوه فلق	به خون مهر که جوشد از آستان شفق
به واپسین نگه پر زرمز و راز شهید	به آن خلوص در آن آخرین نماز شهید
قسم به تربت گل، بوی بارگاه حسین	قسم به خون شهیدان، قسم به پیر خمین
که تیراه یتیمان خطا نرود	سپیده تا نزند صبح را اصلا، نرود (۱۴)

سپیده همانند بزرگان عرصه ادب و هنر متعهد اسلامی، چون دعبل، کمیت، فرزдық، سوده حمدانی و..... و در کنار امامت انقلاب، به دفاع از راه ولایت ادامه داد و در نهایت نیز با رحلتی شهادت گونه به دیدار معبود خود شتافت. محل خاکسپاری او مقبره ۹۳۵، جنب قطعه ۲۶ بهشت زهرا (س) است. نمونه شعر:

به خون گرکشی خاک من، دشمن من	بجوشد گل اندر گل از گلشن من
تمم گریسوزی، به تیرم بدوزی	جداسازی ای خصم، سرازتن من
کجا می تو انی، ز قلبم ربایی	تو عشق میان من و میهن من
مسلمانم و آرمانم شهادت	تجلی هستی ست، جان کندن من (۱۵)

ادبیات انقلابی دارای ویژگی ها فراوانی از جمله غفلت ستیزی و دعوت به بیداری، بازگشت به خویشتن و مبارزه با طبقه روشنفکر غرب زده، بازگشت به عشق آسمانی و عارفانه، پیوند حماسه و عرفان، ورود مسائل سیاسی اجتماعی به شعر انقلاب و..... است. بانوان به طور مساوی در میدان نقش داشتند و ادبیاتی تولید کردند که روحیه انقلاب گری را در مردم بیدار کرد و سربازان را تشویق کرد و روح اعتماد و عزت نفس در بانوان بیدار کرد. زنان از آغاز پیروزی اسلامی تا به امروز به ویژه در دوران دفاع مقدس نقشی برجسته و راهگشا در تاریخ انقلاب اسلامی داشته اند. به غیر از بانوان که در بالا به آنها پرداخته شد، نام های بسیار دیگری نیز قابل ذکر است که به دلیل کمبود جا نمی توان در اینجا در تفصیل آنها پردازیم. آنها طاهره صفارزاده، مهین زورقی، صدیقه وسمقی ، نرگس گنجی، زهره نارنجی، غزل تاج و غیره هستند. آنها شعرهای انقلابی مانند بیعت با بیداری، دیدار با صبح، (از طاهره صفارزاده)، خط سبز، یادگار سرخ (از نرگس گنجی) ،

نماز باران (از صدیقه و سمنی) و سرودند که در ادبیات انقلابی از جای خاصی برخوردارند.

منابع و ماخذ:

- ۱: خمینی، سید روح الله موسوی، "صحیفه امام" دوره بیست و دو جلدی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۵۸، جلد ۷، ص ۶.
- ۲: همان، جلد ۱۴، ص ۳۵۵.
- ۳: فروغی، جهرمی محمد قاسم، "رویش و پرواز: مجموعه شعر دفاع مقدس" شعرپرویز عباس داکانی، معاونت تبلیغات و انتشارات نیروی زمینی سپاه مدیریت انتشارات، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷.
- ۴: محمدی، محمد علی، "من از رسوم کهن می گویم" انتشارات برگ، تهران، ۱۳۷۰، ص ۶۰.
- ۵: حسینی، سید حسن، "مقاله شعر انقلاب" سوره جنگ پنجم، حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۵۹.
- ۶: روزنامه کیهان، ادب و هنر، شماره ۲۱۶۸۳، یکشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۶.
- ۷: خبرگزاری میزان، فرهنگی، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵، کد خبر ۲۷۴۵۷۶ - لینک کوتاه: mizan.news/0019Qe
- ۸: محمدزاده، مرضیه، "دانشنامه شعر عاشورا بیانقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم" ناشر سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۳، جلد ۲، صص ۱۲۹۴-۱۲۹۵.
- ۹: کوثر، گاهنامه ادبی و هنری خواهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، شماره ۱ - صص ۸۸-۹۱.
- ۱۰: سایر محمدی، "گفتگو با فاطمه راکعی: شاعر" روزنامه ایران، فرهنگ و ادب، شماره ۵۵۴۱، یکشنبه ۱ دی ۱۳۹۲.
- ۱۱: راکعی، فاطمه، "سفر سوختن" مرکز نشر فرهنگی رجا، بهار ۱۳۶۹، ص ۸۰.
- ۱۲: همان، ص ۶۱-۶۲.
- ۱۳: نژاد، میرصادق سید، "مقاله درگذشت سپیده کاشانی: شاعره معاصر" مجله گلبرگ، اختربرج ادب، شماره ۵۹، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷.
- ۱۴: شعر انقلاب، گزیده اشعار درباره انقلاب اسلامی، دفتر اول، وزرات ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵، صص ۲۰۸-۲۱۱.
- ۱۵: کتاب فارسی دهم، درس یازدهم، آموزش و پرورش، چاپ ۱۳۹۶.